

بررسی وضعیت رقابتی و آزمون اثر ساختار بازار بانکداری اسلامی و سنتی بر میزان سودآوری

محمدنقی نظریپور^۱

دانشیار دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه مفید

امیرحسین نجف‌زاده^۲

دانشجوی دکتری دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه مفید

سعیده هوشمند^۳

دانشجوی دکتری دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه مفید

چکیده

عملکرد بهتر بانک‌های اسلامی در مواجهه با بحران اخیر جهانی، توجه بسیاری را به سمت چگونگی ساز و کار این بانک‌ها جلب نموده است. پژوهش حاضر با به کارگیری آماره PR-H، شاخص لرنر و آنالیز چند متغیره به بررسی این فرضیه‌ها می‌پردازد که اولاً، بازیگران صنعت بانکداری اسلامی به دلیل داشتن قدرت بازاری بیشتر، سوددهی بهتری داشته و از لحاظ ساختار بازار، رقابت کمتری از خود نشان می‌دهند. ثانیاً، بازار بانکداری اسلامی تمرکز بیشتری داشته و از ریسک بالاتری برخوردار است. برآوردها در این تحقیق بیانگر آن است که بانک‌های اسلامی درجه قدرت بازار بالاتری دارند. از طرفی آنالیزهای چند متغیره نشان می‌دهند که سودآوری به شکل قابل توجهی با افزایش قدرت بازار افزایش می‌یابد. بازار بانکداری اسلامی رقابت کمتر و تمرکز بیشتری را نشان می‌دهد. براساس نتایج به دست آمده بانک‌های اسلامی سهم بیشتری از دارایی‌هایشان را به فعالیت‌های تأمین مالی تخصیص می‌دهند و تخصیص سرمایه کارآمدتری دارند. واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی و سنتی، آنالیز چند متغیره، شاخص لرنر، آماره PR-H، رقابت

طبقه‌بندی موضوعی: D4, L11, N20, G21

مقدمه

در طول دهه گذشته رقابت در صنعت بانکداری به شدت افزایش یافته و این رقابت فشار فزاینده‌ای بر نرخ‌های بازدهی بانک بر جای می‌گذارد. مؤسسات مالی بزرگ به صورت راهبردی یا به بازارهای جدیدی وارد شده و یا طیف متنوعی از محصولات و خدمات را جهت تثبیت حضور و افزایش سودآوری خود عرضه می‌کنند. چنین پیشرفت‌هایی را می‌توان در توسعه بانکداری اسلامی از سال ۱۹۷۵ تاکنون و شناسایی رشد آن به عنوان یک شیوه تأمین مالی پایدار مشاهده نمود. در

1. Email: nazarpur@mofidu.ac.ir

2. Email: ahnafazade@gmail.com

3. Email: saedeh_hoshmand@yahoo.com

«نویسنده مسئول»

حال حاضر بانک‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس گسترش یافته‌اند و تعداد بسیاری از بنگاه‌های بانکداری با پیاده کردن دیدگاه‌های اسلامی در مورد برخی از زیر مجموعه‌هایشان، از شیوه عملکرد سنتی تغییر روش داده‌اند و یا حتی اقدام به تأسیس بانک‌های کاملاً اسلامی نموده‌اند. کشورهایی مثل مالزی و بحرین در تلاش هستند که یک قطب منطقه‌ای برای ارائه خدمات مالی اسلامی ایجاد کنند. در حال حاضر حدود ۲۷۰ مؤسسه مالی اسلامی در سطح جهان وجود دارد به طوری که این مؤسسات مشتمل بر بانک‌ها، صندوق‌های تعاونی، شرکت‌های مالی اعتباری و شرکت‌های بیمه هستند. تأمین مالی اسلامی تنها مختص افراد با زمینه مشترکات اسلامی نیست. انگلستان برای ایجاد یک مرکز مالی اسلامی جهانی در لندن اعلام برنامه کرده است و بانک‌های بین‌المللی از جمله HSBC, BNP Paribas, و Citigroup در حال گسترش دادن این بخش جدید از صنعت بانکداری هستند.^۱ بحران اقتصادی جهان اثر بسزایی بر بانکداری متعارف داشت، به گونه‌ای که این نظام دچار اختلال و افت معناداری شد؛ اما این در حالی است که بانکداری اسلامی در طول بحران ثبات خود را حفظ کرد (نظرپور و دیگران، ۱۳۹۰). پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که تأمین مالی اسلامی نسبت به تأمین مالی متعارف، با ثبات‌تر و کارا تر است و به علل گوناگون، رشد بیش‌تری را نیز نوید می‌دهد.^۲

از دیدگاه ساختاری، بانک‌های اسلامی در کنار بانک‌های سنتی در کشورهای مختلف وارد عرصه بانکداری شده‌اند و یک بازار موازی برای ارائه خدمات مالی اسلامی تشکیل داده‌اند. تقاضاکنندگان و عرضه‌کنندگان بازار پول در انتخاب نوع بانک برای استفاده از خدمات مالی بانکداری مختار هستند. مقررات بانک‌های اسلامی، بانک‌های اسلامی را از معامله با بانک‌های سنتی منع می‌کند، مگر در خصوص انجام مبادلاتی که طی آن معاملات بانکی بر اساس ربا نباشد. بنابراین بدیهی است که فرض شود این دو بخش از بازار بانکداری (اسلامی و سنتی) جدا از هم هستند و روابط درون‌صنعتی محدودی دارند. از دیدگاه قانونی نیز جداسازی این دو بازار امری ممکن و معتبر است. بانک‌های اسلامی تحت قوانین متفاوتی از دیگر مؤسسات مالی عمل می‌کنند. برای تأسیس و نظارت بر عملکرد یک بانک اسلامی قوانین خاص و جدیدی لازم است که متفاوت از قوانین حاکم بر بانک‌های سنتی باشد. به عنوان مثال، به دلیل شیوه عملکرد بانک‌های اسلامی و ارتباط آن با نظام مالیاتی، سازماندهی بانک‌های اسلامی وضع قوانین مالیاتی

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به (Kerr, 2007) و (Jonsson, 2006) و وبسایت <http://www.hsbcamanah.com> و <http://mea.bnpparibas.com/en/corporates-institutions/islamic-banking> رجوع نمایید.

۲. به عنوان نمونه می‌توان به پژوهش‌های صورت گرفته توسط موسویان (۱۳۸۸) و عبوضلو و میسمی (۱۳۸۷) اشاره نمود.

خاصی را می‌طلبد^۱. حداقل به دو دلیل چگونگی موقعیت رقابتی در صنعت بانکداری مهم است. اولاً، درجه‌ای از قدرت بازار می‌تواند مشکلات جدی بر سر راه ثبات مالی را کاهش دهد. بعد از ارائه مقاله کیلی^۲ (۱۹۹۰)، بسیاری از مطالعات نشان دادند که رقابتی‌تر شدن بازار باعث تشدید شدن مخاطرات اخلاقی در صنعت بانکداری می‌شود^۳. البته دیدگاه دیگری نیز در تقابل با این مسئله وجود دارد که معتقد است هر چه قدرت بازاری بیشتر باشد ریسک بانکداری بیشتر است. ثانیاً، میزان رقابتی بودن بازار ممکن است بر عملکرد و کارایی بانک و همچنین بر تبدیل دارایی به سرمایه^۴ اثرگذار باشد (Schaeck & Cihak, 2007). در حال حاضر، بانکداری اسلامی به پدیده جهانی و با رشد دو رقمی تبدیل شده و در جهان اسلامی رشد بسیار داشته است. بازیگران صنعت بانکداری اسلامی به دلیل داشتن قدرت بازار بیشتر، سوددهی بهتری نسبت به رقبایشان (بانک‌های سنتی) داشته و از لحاظ ساختار بازار، نسبت به بانک‌های سنتی رقابت کمتر و تمرکز بیشتری دارند و در صورت داشتن فضای رقابتی بیشتر، بازار بانکداری اسلامی تمرکز کمتری نسبت به بازار بانکداری سنتی داشته و از ریسک کمتری برخوردار خواهد بود.

در این پژوهش اثر شدت رقابتی بودن بازار را روی سوددهی بانک بررسی کرده و برای این کار از هر دو آماره H و شاخص لرنر (که برای بانک‌های سنتی و اسلامی متفاوت هستند) استفاده می‌شود. همه شاخص‌های ساختار بازار نشان می‌دهند که بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های سنتی درجه قدرت بازاری بالاتری دارند. بر اساس نتایج به دست آمده بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های سنتی ترکیب سهام^۵ و دارایی‌های بسیار متفاوتی دارند و در مقایسه با بانک‌های سنتی، بخش بزرگ‌تری از دارایی‌هایشان را صرف تأمین مالی (دادن تسهیلات) کرده‌اند و تخصیص سرمایه کارآمدتری داشته‌اند به طوری که تفاوت معناداری در میزان سودآوری آن‌ها وجود دارد.

ساختار پژوهش بدین صورت است که در بخش ۱ برخی از مطالعات صورت گرفته ارائه می‌شود. در بخش ۲ به این موضوع پرداخته می‌شود که از نظر اسلام چه نوع فضای رقابتی

۱. نظام مالیاتی اقتصاد اسلامی، از نظر تأمین مخارج مالی، نقشی شبیه عوارض در نظام‌های مالیاتی دیگر ایفا می‌کند. در نظام‌های مختلف مالیاتی، تفاوت مالیات و عوارض در این است که مالیات‌ها به طور کلی به خزانه‌داری دولت واریز می‌شوند و دولت مخارج مختلف خود را با آن تأمین می‌کند؛ در حالی که عوارض جمع‌آوری شده، تنها باید در موارد و مکان‌های معینی استفاده شوند (جعفری صمیمی، ۱۳۷۱).

2. keeley

۳. برای مطالعه بیشتر به (Hellman et al, 2000) و (Jimenez et al, 2013) رجوع شود.

4. equity capitalization

5. portfolio

(رقابتی یا انحصار یا ترکیبی از این دو) مورد پذیرش است. در بخش ۳ به روش ارزیابی اشاره شده و در بخش ۴ اطلاعات مربوط به بانک‌های اسلامی ارائه شده است. در بخش ۵ به بررسی نتایج حاصل از برآورد مدل‌های ارائه شده در بخش ۳ پرداخته شده و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۱- پیشینه و ادبیات تحقیق

مطالعاتی که در گذشته به بررسی ساختار بازار با استفاده از شاخص‌های مرسوم تمرکز کرده‌اند، تنها در چارچوب یک کشور منفرد اسلامی به تجزیه و تحلیل پرداخته‌اند. ادبیات تأمین مالی اسلامی اصولاً روی امکان‌پذیری (قابلیت دوام) انتزاعی و ثبات تأمین مالی بدون بهره تمرکز می‌کند و مطالعات اخیر جنبه‌های مختلف تأمین مالی اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بیگدلی (۱۳۸۸) با استفاده از بررسی آمار و ارقام مربوط به شاخص تمرکز (HHI) در بازار بانکداری در بازه زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ و محاسبه تمرکز بر اساس میزان تسهیلات اعطایی توسط شبکه بانکی کشور به تبیین وضعیت ساختار بانکداری ایران پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان‌دهنده تمرکز به نسبت بالا در بخش بانکی کشور است. بر مبنای این یافته‌ها، به‌رغم ورود بانک‌های خصوصی و افزایش سهم دیگر بانک‌ها از بازار اعتبارات، تمرکز در بخش بانکی همچنان به نفع بانک‌های بزرگ است.

طوسی (۱۳۹۱)، اطلاعات مربوط به ترازنامه برخی بانک‌های ایرانی در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ را گردآوری کرده و سپس با استفاده از شاخص هرفندال به محاسبه درجه رقابت آن‌ها پرداخته است. در مطالعه وی نسبت وام و تسهیلات پرداختی از سوی بانک به دارایی در اختیار همان بانک به عنوان سنجه کارایی به کار می‌رود. نتایج نشان‌دهنده بده بستان بین رقابت و کارایی در سیستم بانکی ایران است.

پوستین‌چی (۱۳۹۲)، با استفاده از یک مدل داده‌های تابلویی^۱ متشکل از هجده بانک فعال برای دوره (۱۳۸۴-۱۳۹۰) به بررسی عوامل مؤثر بر مطالبات معوق بانک‌ها پرداخته است. در این مقاله مطالبات معوق به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع ریسک بانک‌ها در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله موارد مؤثر بر مطالبات معوق رقابت در صنعت بانکداری است. نتایج نشان‌دهنده ارتباط معکوس میان رقابت در صنعت بانکداری و مطالبات معوق است.

1. panel data

شهیمی و همکاران^۱ (۲۰۰۶)، در پژوهشی سطح فعالیت‌های درآمد حق الزحمه^۲ در یک بانک منفرد را به اندازه دارایی، سودآوری، ریسک سرمایه‌ای و نیز ریسک اعتباری مرتبط کرده و این فرضیه‌ها را با استفاده از اطلاعات مربوط به بانک‌های اسلامی تجاری کشور مالزی برای سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۰۴ مورد آزمون قرار دادند. بر اساس نتایج به دست آمده بانک‌هایی که در فعالیت‌های غیرمتعارف درگیرند منابع متنوع‌تری از وجوه را در اختیار داشته و دسترسی بزرگ‌تری به بازارهای مالی دارند که این امر ریسک را کاهش می‌دهد. همچنین به نظر می‌رسد فعالیت‌های غیرمتعارف می‌تواند روشی برای خلق درآمد باشد.

ترک آریس^۳ (۲۰۰۹) با استفاده از مدل^۴ PR به بررسی درجه قدرت بازار در سیستم‌های بانکداری (MENA)^۵ برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۶ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند به غیر از کشورهای آفریقای شمالی که شرایط انحصاری در آن‌ها یافت می‌شود، ساختار غالب بازار در بانکداری MENA عمدتاً رقابت انحصاری است.

فسو^۶ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی رقابت بانکداری در آفریقا طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰ پرداخته است. وی برای این منظور از نسخه پویا و ایستای آماره^۷ PR-H بهره گرفته است. مطابق با آنچه که در اقتصادهای نوظهور دیگر مشاهده می‌شود، نتایج نشان می‌دهند که بانک‌های آفریقایی به طور عمومی رفتار رقابت انحصاری از خود نشان می‌دهند. نویسنده با مقایسه آماره پویا با نوع ایستای آن نتیجه می‌گیرد، اگر چه شواهد نشان می‌دهند که آماره PR-H ایستا به طرف پائین تورش‌دار است، رفتار رقابتی معین شده در برابر سایر تخمین‌زنده‌های جایگزین به قوت خود باقی می‌ماند. لذا رقابت انحصاری را نمی‌توان کنار گذاشت.

کاسمن و کاسمن^۸ (۲۰۱۴) اثر رقابت و تمرکز بر ثبات بانکی در صنعت بانکداری ترکیه طی دوره زمانی ۲۰۰۲-۲۰۱۲ را مورد بررسی قرار داده‌اند. این مؤلفین برای این منظور از نماگر Boone و شاخص لرنر تعدیل شده از لحاظ کارایی به عنوان یک پراکسی برای رقابت و از نسبت^۹ NPL و مقادیر Z به عنوان یک پراکسی برای ثبات بانکداری استفاده کرده و همچنین

-
1. Shahimi et al, 2006
 2. fee Income
 3. Turk Ariss, 2009
 4. panzar and Rosse Model
 5. The Middle East and North Africa
 6. Fosu
 7. Panzar and Rosse-H statistics
 8. Kasman and Kasman
 9. Non-performing loans (NPL) ratio

از شاخص هرفیندال - هیرشمن (HHI) و نسبت تمرکز پنج بانک^۱ جهت بررسی اثر تمرکز بازار بانکداری بر روی ثبات بانکی بهره گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهند افزایش در درجه قدرت قیمت‌گذاری بانک، ثبات بانکی را افزایش می‌دهد. شاخص‌های تمرکز نشان می‌دهند که بانک‌های با بازار متمرکزتر ریسک بیشتری را متحمل می‌شوند. همچنین به نظر می‌رسد که بانک‌ها در محیط‌های کمتر رقابتی و با تمرکز پائین‌تر باثبات‌تر هستند.

لئون^۲ (۲۰۱۵) نتایج رقابت بانکی بر محدودیت‌های اعتباری را مورد بررسی قرار داده است. بدین منظور وی داده‌های سطح^۳ مربوط به ۶۹ کشور در حال توسعه و نوظهور را استخراج و برای آزمون فرضیه خود از سه معیار غیرساختاری (شاخص لرنر، آماره H، و نماگر Boone) بهره گرفته است. نتایج نشان می‌دهند رقابت بانکی محدودیت‌های اعتباری را کاهش داده و اینکه معیار تمرکز پیش‌بینی‌کننده قوی از دسترسی بنگاه به تأمین مالی نیست.

پژوهش حاضر از جهات مختلف متفاوت از پژوهش‌های قبلی است. اول اینکه، فرض می‌شود یک بازار جهانی برای خدمات مالی اسلامی وجود دارد که متفاوت از بازار بانکداری سنتی است و از نظر موقعیت جغرافیایی محدود به یک کشور نیست. در کشورهایی که بازارهای سرمایه کمتر توسعه یافته‌ای دارند و بخش بانکی به عنوان مجرای اصلی تأمین مالی اقتصاد به کار می‌رود، دو بازار موازی بانکی اسلامی و سنتی ایجاد شده است. در این مقاله کشورهایی انتخاب شده‌اند که در آن‌ها هر دو نوع بانک دایر بوده و سپس این دو نوع بانک به صورت یک مجموعه در میان همه کشورهای مورد نظر مورد بررسی قرار می‌گیرد. دوم اینکه، میزان رقابتی بودن بازارهای جهانی بانکداری سنتی و اسلامی با استفاده از طیفی از شاخص‌های کلیدی (معیار تمرکز یعنی آماره H و شاخص لرنر) سنجیده می‌شود. سوم، این مطالعه فراتر از مطالعات گذشته عمل می‌کند و شرایط رقابتی را به منظور بررسی تفاوت در سودآوری دو بخش بازار بانکداری مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- رقابت یا انحصار

مبادله، یکی از اصلی‌ترین نیازهای بشر بوده و هست. بازار نهادی است که امکان مبادله را فراهم می‌کند. مهم‌ترین عنصر مبنایی بازار، عنصر رقابت است که از زمان نخستین اقتصاددانان کلاسیک تاکنون تفاسیر گوناگونی از آن شده است. از طرفی ما مسلمانان به جامعیت اسلام اعتقاد داریم و معتقدیم که اسلام در زمینه‌های گوناگون برنامه‌های خاص خود را دارد

1. 5-bank concentration ratio

2. Leon

3. level data

(معصومی‌نیا، ۱۳۸۳). در جهان امروز، پدیده رقابت به عنوان یک پدیده ذاتی در فعالیت‌های مالی و بازرگانی به ظهور رسیده و به موازات توسعه و رشد اقتصادی در جهت دستیابی به برتری‌های مدنی در چالش‌های زندگی بشر قرار گرفته است (صدر، ۱۳۷۸). ریشه رقابت، نفع شخصی و تضاد منافع فرد با دیگران است. از نظر اسلام، رقابت و چشم و هم‌چشمی پذیرفته نیست، اما رقابت به معنای «مسابقه برای کسب درآمد» در چارچوب قواعد اخلاقی و حقوقی اسلام پذیرفته می‌شود. این چارچوب‌ها همچون فیلتری رقابت را از اثرهای سوء آن پاکسازی کرده و در جهت اهداف نظام اقتصادی اسلام قرار می‌دهند (میرمعزی، ۱۳۸۷). البته این نکته قابل توجه است که معنای رقابت در نزد اقتصاددانان با مفهوم عرفی آن کاملاً متفاوت است. رقابت در معنای عرفی خود به معنای مسابقه شخصی است که یکی برنده و دیگری بازنده خواهد بود. اما ماهیت رقابت در اقتصاد امری کاملاً غیرشخصی است و مسابقه‌ای وجود ندارد. مثلاً دلیلی برای وجود دشمنی بین دو کشاورز گندم وجود ندارد. چون هیچ‌کدام نفوذی در بازار رقابت کامل ندارند. در این بازار رقابت زمانی شدیدتر است که دو فروشنده کمتر همدیگر را به چشم رقیب بنگرند. در رقابت هر کس سعی دارد خود را به نحوی عرضه نماید و اساساً نیتی برای شکست دادن و یا عقب راندن دیگری در سر نمی‌پروراند (نظرپور، ۱۳۸۰). پس می‌توان گفت هر چه رقابت شدیدتر باشد، تأثیر مشارکت‌کنندگان در بازار بر یکدیگر کمتر می‌شود و هیچ تولیدکننده‌ای احساس نمی‌کند که از رقابت تولیدکننده مجاور خویش در فشار قرار دارد؛ اما زمانی که رقابت بسیار اندک است و مثلاً دو تولیدکننده برای کالای خاصی وجود دارد، هر تولیدکننده خود را در فشار سختی از سوی رقیب می‌پندارد (همان).

اسلام، رقابت برای دستیابی به منافع شخصی را تحریم نکرده؛ اما به آن اصالت نداده و ضوابط بسیاری را برای آن وضع فرموده است. هدف اصلی اسلام این است که انسان‌ها به گونه‌ای ساخته شوند که با انگیزه و نشاط به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند؛ اما هدف آنان کسب رضایت خدا و خدمت به جامعه اسلامی باشد و در عین اینکه با تمام توان کار می‌کنند رزاق را خداوند بداند و افق بلند انسان شدن، اصلی‌ترین آرمان آن‌ها باشد (معصومی‌نیا، ۱۳۸۳). در بازار رقابتی رشد اقتصادی از طریق کشف روش‌های تولید کارآمد و کاهش هزینه‌ها امری غیرقابل انکار است. اما با توجه به مبنای انسان‌شناختی این نظریه که همه انسان‌ها در عرصه فعالیت‌های اقتصادی با فاصله گرفتن از ارزش‌های اخلاقی، تنها در پی حداکثر کردن سود مادی شخص خود هستند، آثار منفی چنین رقابتی نیز بر صاحب‌نظران اقتصادی پوشیده نیست. ایجاد قطب‌های عظیم

اقتصادی و انحصارات بزرگ و بروز شکاف طبقاتی و فقر شدید، محصول همین رقابت است (تفضلی، ۱۳۷۲). بازار رقابت کامل هرگز به وجود نیامده است؛ زیرا تحقق شروط آن در عالم واقع و در خارج از ذهن انسان محال عرفی است. در واقع در بازار رقابت کامل هیچ‌گونه رقابتی وجود ندارد و دلیلی هم برای رقابت موجود نیست، چون فعالان اقتصادی به تنهایی توان تأثیرگذاری در بازار را ندارند. همچنان که در انحصار هیچ‌گونه رقابتی وجود ندارد، رقابت واقعی تنها در بازارهایی که بین بازار رقابت کامل و انحصار کامل^۱ وجود دارند، ممکن است (یوسفی، ۱۳۹۱).

امروزه بانک‌ها به عنوان نهادهای متشکل و سازمان یافته نقش حیاتی در جذب سرمایه‌های راکد و واگذاری این قبیل سرمایه‌ها به بخش‌های مولد و همچنین تأمین نیازهای مالی سرمایه‌گذاران برعهده دارند. بنابراین عملکرد بانک اثرات اساسی بر تخصیص سرمایه، رشد بنگاه، انبساط صنعتی و توسعه اقتصادی به دنبال دارد. رقابت به عنوان یک پدیده مثبت برای بیشتر صنایع مورد پذیرش قرار گرفته است و این امر برای بازارهای بانکداری نیز صادق است. رقابت در صنعت بانکداری همانند سایر صنایع، به منظور افزایش کارایی و حداکثرسازی رفاه اجتماعی ضروری است. اما این نکته را نباید فراموش کرد که بخش بانکداری ویژگی‌های خاصی دارد که اهمیت ویژه‌ای برای آن در اقتصاد پدید آورده و آن را از سایر صنایع متمایز نموده است. به عنوان مثال می‌توان به درهم‌تنیدگی شدید این بخش از اقتصاد با بخش‌های حقیقی آن اشاره کرد. آنچه که مسلم است چشم‌انداز و اساس رقابت در بانکداری اسلامی در حال تغییر است. در ابتدا بانک‌های اسلامی از این مزیت برخوردار بودند که علاوه بر انطباق بر اصول شریعت، تنها عرضه‌کنندگان خدمات مالی اسلامی بودند؛ به عنوان مثال بانک الراجحی عربستان، خانه تأمین مالی کویت و بانک اسلامی دبی سال‌ها در سرزمین‌های خود حالت انحصاری داشتند لیکن در سال‌های اخیر، این وضع تغییر یافته است. به طوری که در دبی هم اکنون هشت بانک کاملاً اسلامی در کنار بانک‌های سنتی وجود دارد که آن‌ها نیز عملیات منطبق بر شریعت ارائه می‌دهند. آنچه مطرح است در یک سیستم دوگانه (به دلیل توانمندی بیشتر بازار بانکداری سنتی و با در اختیار داشتن شاهره‌های فراوان در زمینه کسب سود)

۱. در بازار اسلامی انحصارگر نمی‌تواند با افزایش قیمت در هنگام فروش و یا کاهش قیمت در زمان خرید، به فعالیت خود ادامه دهد و اساساً وضعیت بازار اسلامی به گونه‌ای است که مجالی برای شکل‌گیری این گونه انحصارات باقی نمی‌ماند. از سوی دیگر گاهی اوقات انحصارگر به جهت بیرون کردن رقبای اقدام به کاهش قیمت محصولات خود می‌کند. اگر این کاهش قیمت به جهت بیرون راندن رقیب در مقطع خاصی باشد، همان گونه که گرانی کالا (در یک بازار اسلامی) مورد پذیرش نیست ارزانی آن نیز مقبول نمی‌افتد (نظرپور، ۱۳۸۰).

بانک‌های اسلامی سعی در حفظ خدمات مالی اسلامی در یک چارچوب انحصاری داشته و در عین حال به امر رقابت نیز می‌پردازند. مسئله مهم دیگری که مطرح است اینکه در یک چنین سیستمی تمرکز در بانکداری اسلامی ممکن است شدت یابد که در چنین حالتی بانکداری اسلامی از وضعیت رقابت انحصاری به سمت وضعیت انحصار کامل حرکت خواهد کرد؛ وضعیتی که مطلوب دیدگاه اسلامی نیست. آنچه مطرح است اینکه رقابت سالم از نظر اسلام امری مثبت قلمداد شده و لازم است تا امورات بانکداری نیز بر پایه آن شکل گیرد. از این رو لازم است وضعیت بازار بانکداری اسلامی بررسی شده و عملکرد آن‌ها کنترل شود.

۳- روش ارزیابی

معیارهای متداول تمرکز شامل نسبت تمرکز و شاخص هر فیندال - هیرشمن (HHI) است. از نسبت تمرکز n بانک، به طور خاص نسبت‌های $C3$ و $C5$ (به ترتیب نسبت‌های مربوط به سه و پنج بانک بزرگ‌تر) بر اساس سهم دارائی‌ها، سپرده‌ها و وام‌هایشان در بخش بانکداری استفاده شده است. از آنجایی که نسبت‌های تمرکز اطلاعات بقیه بانک‌ها را مد نظر قرار نمی‌دهند، با اضافه کردن مربعات سهم بازار همه بانک‌ها (با استفاده از کل دارائی‌ها، سپرده‌ها و وام‌ها) HHI نیز محاسبه می‌شود. برخی مطالعات آماره PR-H و شاخص لرنر را برای تعیین درجه رقابت بانکداری به کار می‌برند.^۱

۳-۱- آماره H

رویکرد پانزار و راس (PR) جهت آزمون قدرت بازار، متکی بر این فرض است که بانک‌ها استراتژی‌های قیمت‌گذاری مختلفی را در پاسخ به تغییرات در هزینه‌های نهاده^۲ وابسته به ساختار بازار که در آن فعالیت می‌کنند به کار می‌گیرند. بنابراین، پاسخ به این سؤال که یک بانک در بازار رقابتی فعالیت کرده و یا اینکه مقداری قدرت انحصاری اعمال می‌کند از تحلیل درآمد کل آن بانک ممکن است که این درآمد کل به تغییرات قیمت‌های نهاده^۳ پاسخ می‌دهد. بر اساس مفاهیم ذکر شده متد PR به تخمین معادلات فرم خلاصه شده درآمد زیر برای هر کشور متکی است:

$$\ln(TR_{it}) = \alpha + \beta_1 \ln(W_{L,it}) + \beta_2 \ln(W_{F,it}) + \beta_3 \ln(W_{K,it}) + \gamma_1 \ln(Y_{1,it}) + \gamma_2 \ln(Y_{2,it}) + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

۱. برای اطلاعات بیشتر در زمینه شاخص لرنر به (Jimenez et al, 2013) و (Berger et al, 2009) و در زمینه آماره H به (Claessens and Laeven, 2004) و (Schaeck et al, 2009) رجوع شود.

2. input Costs

3. input Prices

متغیر وابسته (TR_{it}) که بیانگر کل درآمدها است به تبعیت از ناتان و نیو (۱۹۸۹)^۱ و کازو و گیراردان (۲۰۰۶)^۲ از طریق نسبت درآمدهای بهره‌ای و غیربهره‌ای به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود. معادله (۱) مشتمل بر سه قیمت نهاده است: $W_{L,it}$ به عنوان هزینه نیروی کار که به صورت نسبت مخارج پرسنل به کل دارایی‌ها نشان داده می‌شود، $W_{F,it}$ نماد هزینه اعتبارات که به صورت نسبت هزینه‌های بهره به کل سپرده‌ها نشان داده می‌شود و $W_{K,it}$ نشان‌دهنده هزینه سرمایه ثابت که به صورت نسبت هزینه‌های اداری و اجرایی به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود. $Y_{1,it}$ و $Y_{2,it}$ به ترتیب نشان‌دهنده نسبت سرمایه به کل دارایی‌ها و نسبت وام‌های خالص به کل دارایی‌ها^۳ بوده و ترکیب سهام و تجارت بانک را کنترل می‌کنند.

آماره H به صورت مجموع کشش‌های کل درآمدها به قیمت نهاده‌ها محاسبه می‌شود. پانزار و راس (۱۹۸۷)^۴ نشان دادند که آماره H می‌تواند ساختار و جهت بازاری را منعکس کند که بنگاه متعلق به آن است و به صورت زیر تفسیر می‌شود. در تعادل رقابتی بلندمدت، یک افزایش در قیمت‌های نهاده منجر به افزایش یکسانی در کل درآمدها می‌شود، و بنگاه‌هایی که نتوانند افزایش در قیمت‌های نهاده را پوشش دهند از بازار خارج می‌شوند؛ بنابراین آماره H برابر با یک می‌شود. اما اگر بنگاه انحصاری باشد، آماره H منفی است زیرا یک شیفت به بالا در منحنی هزینه نهایی با یک کاهش در درآمدها همراه است. همچنین، اگر ساختار بازار رقابت انحصاری باشد، آنگاه آماره H بین صفر و یک قرار دارد.

کاربرد چارچوب PR برای بانکداری مستلزم سه فرض است. اول اینکه، بانک‌ها صرفاً بنگاه‌های تک محصولی^۵ هستند و درآمدهای بهره را با استفاده از نیروی کار، سرمایه و سپرده‌ها تولید می‌کنند که به عنوان عوامل تولید در نظر گرفته می‌شوند.^۶ دوم، قیمت‌های بالاتر عوامل تولید با درآمدهای بالاتر که از طریق خدمات با کیفیت بالاتر ایجاد شده مرتبط نیستند؛ و سوم، بانک‌ها بنگاه‌های حداکثرکننده سود بوده و دارای توابع درآمد و هزینه نرمال هستند.^۷ نکته مهم‌تر اینکه بانک‌ها باید از نمای بلندمدت دیده شوند، برای این منظور از مدل زیر استفاده می‌شود:

-
1. Nathan and Neave
 2. Casu and Girardone
 3. net Loans to total assets
 4. Panzar and Rosse
 5. single Product Firms
 6. De Bandt and Davis
 7. Gelos and Roldos

$$\ln(ROA_{it}) = \alpha + \beta_1 \ln(W_{L,it}) + \beta_2 \ln(W_{F,it}) + \beta_3 \ln(W_{K,it}) + \gamma_1 \ln(Y_{1,it}) + \gamma_2 \ln(Y_{2,it}) + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

که در آن ROA بازدهی بانک بر روی دارائی‌ها است. آماره تعادل (E) برابر مجموع کشش‌های قیمت نهاده است. اگر برای E یک مقدار به طور معنی‌داری متفاوت از صفر باشد این دلالت بر عدم تعادل بازار دارد. دلیل امر اینکه (در بلندمدت) بازده دارائی‌ها ارتباطی به قیمت‌های نهاده ندارد. با وجود اینکه بزرگی آماره H شاخص مستقیمی از درجه رقابت است، این پراکسی ممکن است نتواند یک معیار پیوسته از شدت رقابت را نشان دهد. پانزار و راس (۱۹۸۷) نشان دادند که آماره H تابعی نزولی از قدرت بازار در حالت انحصار مطلق است، اما تفسیر مقدار آن کمتر می‌تواند به صورت مستقیم صورت پذیرد، زیرا بزرگی و نیز علامت آماره ممکن است ناشی از نرخ بهره باشد. همچنین شافر^۱ (۲۰۰۴ a,b) در مورد استفاده از آماره H به عنوان یک معیار پیوسته از رقابت ابراز نگرانی می‌کند و می‌پذیرد که تفسیر مقدار معین H ممکن است گمراه‌کننده باشد. نقص دیگر آماره H این است که آن در سطح کل محاسبه می‌شود، لذا نمی‌تواند جهت ارزیابی تصمیمات یک بانک در سطح بنگاه به کار رود. رفتار رقابتی می‌تواند از طریق شاخص لرنر به نحو بهتری بررسی شود.

۳-۲- شاخص لرنر

شاخص لرنر مقیاس مستقیمی از رقابت است، زیرا بر روی قدرت قیمت‌گذاری تمرکز می‌کند. بنابراین در تفاوت بین قیمت و هزینه نهایی ظاهر می‌شود و به موجب آن درجه‌ای به دست می‌آید که یک بنگاه می‌تواند قیمت نهایی خود را فراتر از هزینه نهایی‌اش افزایش دهد. محاسبه شاخص لرنر مستلزم تخمین یک تابع هزینه ترانسلوگ^۲ با اثرات ثابت متغیرهای مجازی زمان بانک به شکل زیر است:

$$\ln Cost_{it} = \beta_0 + \beta_1 \ln Q_{it} + \frac{\beta_2}{2} \ln Q_{it}^2 + \sum_{k=1}^3 \gamma_{kt} \ln W_{k,it} + \sum_{k=1}^3 \phi_k \ln Q_{it} \ln W_{k,it} + \sum_{k=1}^3 \sum_{j=1}^3 \ln W_{k,it} \ln W_{j,it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

که در آن Q_{it} بیانگر محصول یا کل دارایی‌های بانک i در زمان t ، و W_{it} قیمت‌های سه نهاده است که در بالا تعریف شد. بنابراین، هزینه نهایی به صورت زیر:

$$MC_{TA_{it}} = \frac{Cost_{it}}{Q_{it}} \left[\beta_1 + \beta_2 \ln Q_{it} + \sum_{k=1}^3 \phi_k \ln W_{k,it} \right] \quad (4)$$

1. Shaffer
2. translog cost function

و شاخص لرنر به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$Lerner_{it} = (P_{TA_{it}} - MC_{TA_{it}}) / P_{TA_{it}} \quad (۵)$$

$P_{TA_{it}}$ قیمت کل دارایی‌ها است که از طریق نسبت کل درآمدها (درآمد بهره و غیربهره)^۱ به کل دارایی‌ها برای بانک i در زمان t نشان داده می‌شود، و $MC_{TA_{it}}$ هزینه نهایی کل دارایی‌ها برای بانک i در زمان t است. شاخص لرنر بین (صفر و یک) نوسان می‌کند. زمانی که $P_{TA_{it}} = MC_{TA_{it}}$ باشد آنگاه شاخص لرنر برابر با صفر است و بنگاه قدرت قیمت‌گذاری ندارد. نزدیک‌تر بودن شاخص لرنر به عدد یک نشان‌دهنده مارک‌آپ^۲ بالاتر قیمت^۳ نسبت به هزینه نهایی بوده و بنابراین قدرت بازار بنگاه بالاتر است.

۳-۳- آنالیز چند متغیره

در یک آنالیز دو مرحله‌ای، نمونه‌های بانکداری سنتی و اسلامی را با هم ترکیب کرده و تفاوت‌های موجود در سودآوری را مورد آزمون قرار می‌دهیم. معادله رگرسیون مورد استفاده فرم عمومی زیر را دارد:

$$prof_{it} = f(comp_{it}, Z_{it}, islamic_{it}, \ln(GDP)) \quad (۶)$$

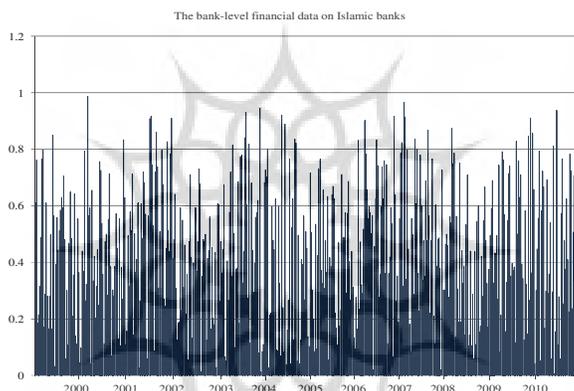
که در آن $prof_{it}$ هم نشان‌دهنده بازدهی دارایی‌ها برای بانک i در زمان t (ROA_{it}) و هم بازدهی دارایی‌های با ریسک تعدیل‌شده ($RAROA_{it}$) برای بانک i است. به تبعیت از استیرو^۴ (۲۰۰۴ a,b) و مرسیکا و همکاران^۵ (۲۰۰۷)، $RAROA_{it} = \frac{ROA_{it}}{\sigma_{ROAi}}$ است، که در آن ROA_{it} و σ_{ROAi} به ترتیب میانگین و انحراف معیار بازدهی دارایی‌ها برای هر بانک در نمونه است. رگرسیون ROA_{it} اثرات ثابت بانک را همراه با متغیرهای مجازی زمان به کار می‌برد. وقتی $RAROA_{it}$ بدون تغییر زمان به کار برده می‌شود، یعنی رگرسیون‌های مقطعی مورد استفاده قرار گرفته است. $COMP_{it}$ دو پراکسی (یعنی آماره H و شاخص لرنر) برای رقابت را مورد مقایسه قرار می‌دهد. Z_{it} دو متغیر کنترلی (یعنی اندازه و سهم بازار) بانک را نشان می‌دهد. متغیر مجازی «اسلامی بودن» بین بانک‌های سنتی و اسلامی تمایز قائل می‌شود. زمانی که فعالیت‌های بانک

-
1. interest and non-interest income
 2. mark- up
 3. Higher Mark-up of Price
 4. Stiroh
 5. Mercieca et al

کاملاً مبتنی بر شریعت است متغیر مجازی مذکور برابر با یک در نظر گرفته می‌شود. به تبعیت از مارتینز - مایرا و رپلو^۱ (۲۰۰۸) و برگر و همکاران (۲۰۰۹)، یک عبارت درجه دوم به معادله (۳) اضافه شده تا یک رابطه غیرخطی بین رقابت و سودآوری در بانکداری را نشان دهد. در تمامی رگرسیون‌ها لگاریتم طبیعی GDP سرانه به منظور کنترل تفاوت در توسعه اقتصادی بین کشورها در نظر گرفته می‌شود.

۴- داده‌های پژوهش

در این پژوهش به اطلاعات مالی در سطح بانک نیاز است. بدین منظور این اطلاعات را برای بانک‌های اسلامی در طول دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۰ از پایگاه داده BankScope استخراج می‌کنیم، که این پایگاه داده توسط Fitch-IBCA فراهم شده است^۲ (شکل ۱).



شکل ۱- داده‌های مالی بانک‌های اسلامی

این اطلاعات را با داده‌های مربوط به بانک‌های تجاری سنتی موجود در همان کشورها تطبیق می‌دهیم. نمونه به دست آمده تنها شامل بانک‌ها و کشورهای اسلامی است که در آن بیش از یک بانک اسلامی وجود دارد. با وجود علاقه رو به رشد در صنعت خدمات مالی اسلامی، بانک‌های سنتی به مراتب بیشتر از بانک‌های اسلامی در کشورهای انتخاب شده بوده و اندازه متوسط آن‌ها (برحسب کل دارایی‌ها) کمتر از رقیبانشان است (شکل ۲ ب). به منظور بررسی

1. Martinez-Miera and Repullo

۲. کشورها و تعداد بانک‌های مورد بررسی در این مطالعه مشتمل بر بحرین (سی بانک)، کویت (بازده بانک)، مالزی (۲۵ بانک)، قطر (دوازده بانک)، عربستان سعودی (شانزده بانک)، ترکیه (هفده بانک)، امارات متحده عربی (۲۳ بانک) و اردن (شانزده بانک) است.

اینکه در میان بانک‌های سنتی و اسلامی ترکیب دارایی، تخصیص سرمایه، و سودآوری به طور معنی‌داری متفاوت هستند، تفاوت در میانگین‌ها را برای بانک‌ها، سال‌ها و کشورها مورد آزمون قرار داده و نتایج در جدول ۱ ارائه شده است.

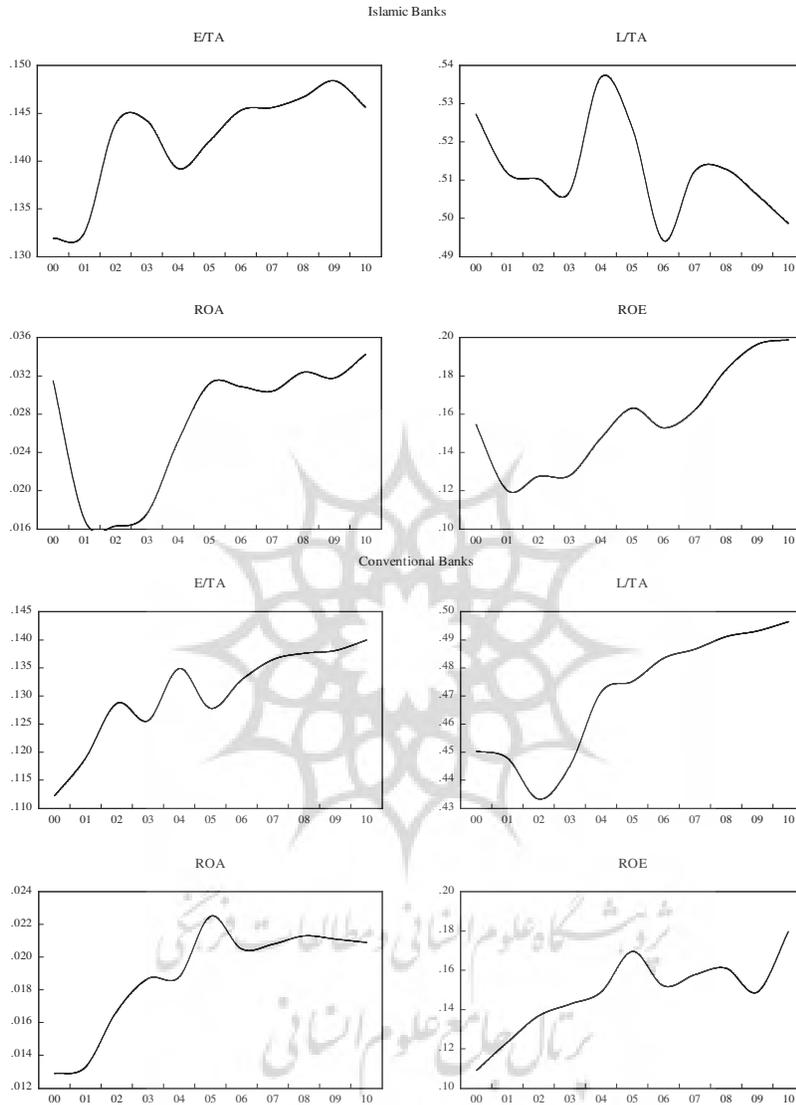
جدول (۱): آزمون میانگین، بانک‌های اسلامی در برابر بانک‌های سنتی: سطوح معنی‌داری ۱، ۵ و ۱۰٪ به ترتیب با **، * و * نشان داده شده است.

E/TA بانک‌های اسلامی در برابر E/TA بانک‌های سنتی			L/TA بانک‌های اسلامی در برابر L/TA بانک‌های سنتی			مقایسه براساس
کشور	سال	بانک	کشور	سال	بانک	
۱/۰۴۸۰**	۴/۵۶۱۱***	۲/۰۳۹۱***	۱/۵۸۳۸***	۳/۱۳۰۸***	۱/۸۳۷۳**	t مقدار Pr (T<t)
(۰/۰۲۸۷)	(۰/۰۰۰۴)	(۰/۰۰۳۹)	(۰/۰۰۹۴)	(۰/۰۰۵۸)	(۰/۰۳۰۱)	
ROE بانک‌های اسلامی در برابر ROE بانک‌های سنتی			ROA بانک‌های اسلامی در برابر ROA بانک‌های سنتی			مقایسه براساس
کشور	سال	بانک	کشور	سال	بانک	
-۱/۳۸۷۵**	۰/۵۵۹۴	-۱/۴۷۲۹	۰/۱۶۸۲	۱/۱۹۳۰	۱/۱۲۸۶***	t مقدار Pr (T<t)
(۰/۰۶۲۳)	(۰/۵۸۲۸)	(۰/۵۲۲۳)	(۰/۲۲۲۴)	(۰/۲۵۲۷)	(۰/۰۰۰۰)	

منبع: محاسبات تحقیق

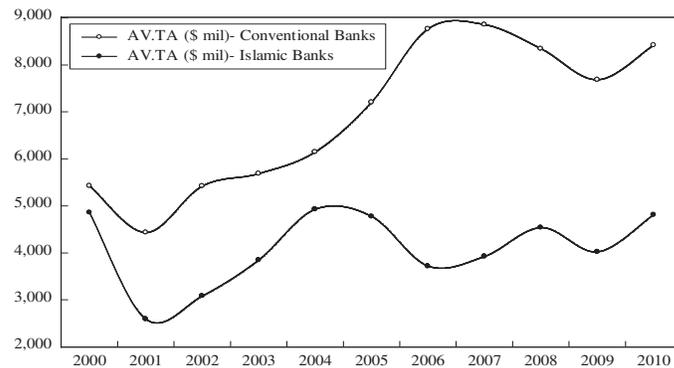
جدول ۱ نشان می‌دهد که بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های سنتی به طور قابل توجهی نسبت بالاتری از دارایی‌هایشان را به تسهیلات تخصیص داده‌اند، که این نشان‌دهنده محدوده خطر بالاتر ریسک اعتباری است. در اصل، بانک‌های اسلامی تسهیم ریسک را در فراهم کردن وجوه (اعطای تسهیلات) و هم در سرمایه‌گذاری کردن وجوه به کار می‌برند. اما، اثر ریسک خالص روی ریسک سهام را به آسانی نمی‌توان تعیین کرد. برای نشان دادن اینکه عمل تسهیم ریسک واقعاً ابزار تکمیل‌کننده‌ای است، شواهد کافی وجود ندارد. شاید به دلیل ملزومات سرمایه‌ای بیشتری که قانونگذاران برای ایجاد یک بانک اسلامی در مقایسه با یک بانک سنتی وضع می‌کنند، به نظر می‌رسد که بانک‌های اسلامی به طور قابل ملاحظه‌ای تخصیص سرمایه بهتری نسبت به بانک‌های سنتی داشته‌اند. بر اساس جدول ۱ بانک‌های اسلامی محدوده خطر ریسکشان (نسبت بالاتر وام به دارایی) را با ریسک مالی پایین‌تر (نسبت بالاتر سرمایه به دارایی) در مقایسه با همتایانشان تعدیل می‌کنند. در شکل ۲ (الف و ب) آمار بر اساس سال خلاصه شده

است. شکل ۲- الف، آمار مربوط به متوسط وام به دارایی‌ها (L/TA)، دارایی خالص به دارایی‌ها (E/TA)، بازدهی دارایی‌ها (ROA) و بازدهی دارایی خالص (ROE) را نشان می‌دهد.



شکل ۲ الف - خلاصه آمار بانک‌های اسلامی و سنتی بر حسب سال

1. loans to assets
2. equity to assets
3. return on equity



شکل ۲ ب- خلاصه آمار بانک‌های اسلامی و سنتی بر حسب سال

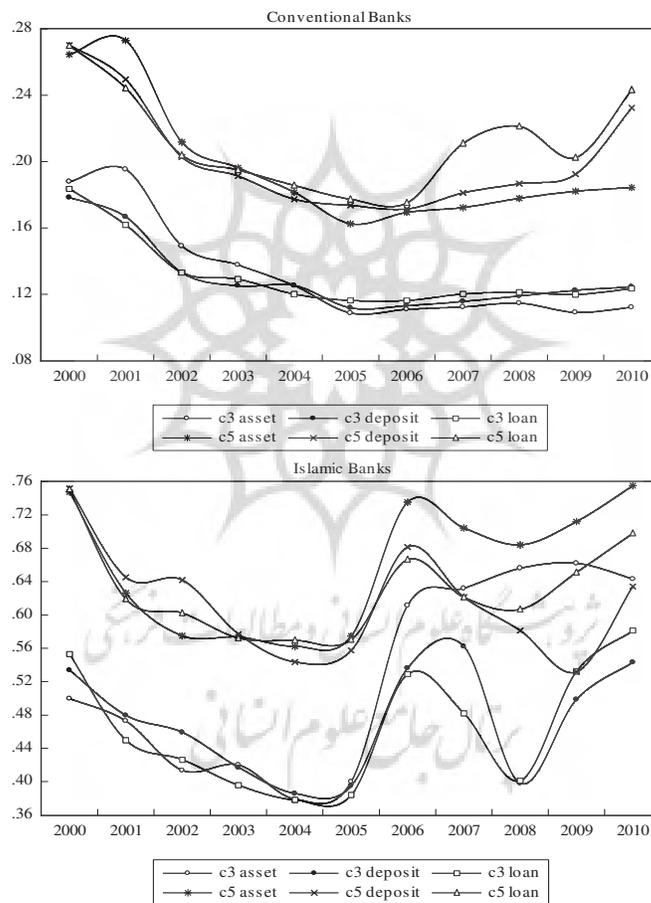
در طول دوره نمونه، نسبت متوسط وام‌ها به دارایی‌ها برای بانک‌های اسلامی ۵۴/۲۴ درصد و در مقابل برای بانک‌های سنتی ۴۱/۲۷ درصد است و نسبت سرمایه به دارایی‌ها برای این دو بخش بانکداری به ترتیب ۱۸/۲۱ درصد و ۱۳/۵۶ درصد است. مشاهده می‌شود که بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های سنتی بیشتر در تأمین مالی فعالیت اقتصادی وارد شده‌اند، و اینکه بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های سنتی بهتر خلق سرمایه کرده‌اند. از نگاه مقیاس‌های سودآوری، متوسط ROA و ROE بانک‌های اسلامی به ترتیب ۲/۶۱ درصد و ۱۶/۳۳ درصد است. در حالی که ارقام متناظر برای بانک‌های سنتی به ترتیب ۲/۰۷ درصد و ۱۴/۱۳ درصد هستند (جدول ۲).

جدول (۲): آماره‌های توصیفی مربوط به ROA, ROE, LTA و E/TA بانک‌های اسلامی و سنتی

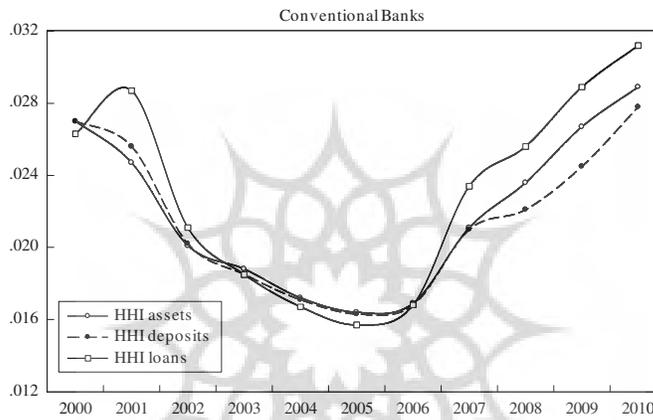
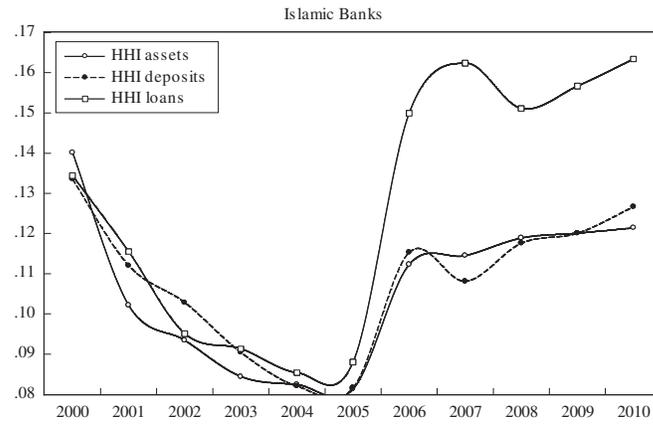
بانک‌های اسلامی				
E/TA	L/TA	ROE	ROA	
۰/۱۸۲۱۰۴	۰/۵۴۲۴۲۹	۰/۱۶۳۳۱۰	۰/۰۲۶۱۵۸	Mean
۰/۷۳۱۸۵۰	۰/۹۶۶۲۲۱	۰/۴۱۶۳۲۹	۰/۱۳۶۰۲۹	Max
۰/۰۶۱۶۳۲	۰/۱۲۰۲۴۷	-۰/۰۴۹۰۶۵	-۰/۰۱۵۲۴۷	Min
۰/۲۳۰۶۶۵	۰/۲۴۳۲۱۵	۰/۰۹۳۴۰۶	۰/۰۸۴۶۷۶	STD.DEV
بانک‌های سنتی				
E/TA	L/TA	ROE	ROA	
۰/۱۳۵۶۶۷	۰/۴۱۲۷۱۶	۰/۱۴۱۳۴۰	۰/۰۲۰۷۱۸	Mean
۰/۴۳۵۶۹۴	۰/۸۱۷۰۸۳	۰/۴۵۱۰۲۷	۰/۰۶۱۱۳۱	Max
۰/۰۶۹۲۰۵	۰/۰۸۱۵۱۷	-۰/۰۱۲۷۱۳	-۰/۰۴۷۱۵۱	Min
۰/۱۸۲۶۸۳	۰/۲۱۳۴۵۵	۰/۰۷۱۲۴۳	۰/۰۷۷۵۲۶	STD.DEV

۵- یافته‌های تجربی

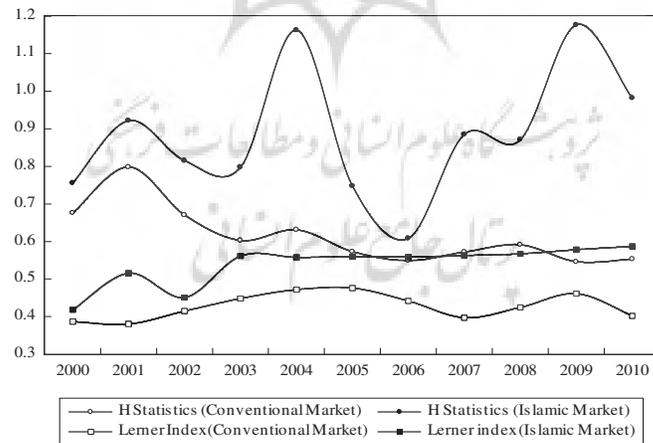
شکل ۳ شاخص‌های تمرکز متداول مقایسه‌ای بین بانک‌های سنتی و اسلامی را نشان می‌دهد. نسبت‌های تمرکز (شکل ۳ الف) نشان می‌دهد که تعداد کمی از مؤسسات در بازار بانکداری اسلامی تسلط دارند، و شاخص HHI (شکل ۳ ب) نشان می‌دهد که تمرکز در بازار جهانی اسلامی بالاتر از بانک‌های سنتی است. همچنین مشاهده می‌شود که نسبت‌های تمرکز برای بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های سنتی سه برابر، و HHI همه آن‌ها هفت برابر بزرگ‌تر است. به منظور به دست آوردن یک فهم جامع از شرایط رقابتی در میان دو بخش بانکداری، آماره H و شاخص لرنر در شکل ۴ ارائه شده است.



شکل ۳ الف - نسبت‌های تمرکز مقایسه‌ای بین بانک‌های سنتی و اسلامی



شکل ۳ ب- شاخص HHI مقایسه‌ای بین بانک‌های سنتی و اسلامی



شکل ۴- معیارهای رقابت، بازارهای بانکداری اسلامی و سنتی

بر اساس شکل ۴، آماره‌های H محاسبه شده بیانگر این مطلب است که رقابت انحصاری ساختار بازار را در هر دو بخش بانکداری سنتی و اسلامی جهانی بهتر توصیف می‌کند. ارقام پایین‌تر برای بانک‌های سنتی بر کمتر رقابتی بودن بازار بانکداری سنتی نسبت به بازار بانکداری اسلامی دلالت نمی‌کند؛ زیرا آماره H یک مقیاس پیوسته از درجه رقابت نیست. نتایج استفاده از شاخص لرنر می‌تواند دید بهتری درباره درجه رقابت فراهم آورد. شاخص‌های لرنر گزارش شده برای بانک‌های اسلامی بالاتر از شاخص‌های لرنر گزارش شده برای بانک‌های سنتی است، به این معنا که به میزان قابل ملاحظه‌ای درجه بالاتری از قدرت بازار در بخش بانکداری اسلامی مستولی می‌شود.

جدول (۳): رقابت و سودآوری بانک

(اعداد داخل پرانتز بیانگر انحراف معیار است)

متغیرها	آماره H		شاخص لرنر
پانل ۱: ROA به عنوان متغیر وابسته			
رقابت	۰/۰۵۳۷۰۵۳ [*] (۰/۰۰۲۱۱۴۵)	-۰/۰۷۰۷۱۱۴ ^{***} (۰/۰۰۳۵۹۷۸)	۰/۰۸۶۸۱۱۷ ^{***} (۰/۰۰۲۰۴۶۹)
رقابت ^۲	۰/۰۶۸۹۲۳۸ ^{**} (۰/۰۳۰۷۵۶۱)		۰/۰۷۱۳۰۴۳ ^{***} (۰/۰۲۳۴۰۳۱)
سهم بازار	۰/۰۰۳۵۲۲۹ (۰/۰۰۲۶۸۴۱)	۰/۰۲۴۵۸۳۶ (۰/۰۰۷۲۲۵۶۸)	-۰/۰۰۱۴۸۸۴ (۰/۰۰۲۵۸۷۷)
اندازه بانک	-۰/۰۰۵۶۲۷ ^{**} (۰/۰۰۲۷۶۱۹)	-۰/۰۰۷۰۷۸۱ (۰/۰۰۲۱۹۹۱۴)	۰/۰۰۴۶۷۰۹ (۰/۰۰۱۱۸۴۵۳)
متغیر مجازی اسلامی	۰/۰۲۰۰۵۴۲ ^{***} (۰/۰۰۳۰۷۶)	۰/۰۱۵۶۱۰۹ (۰/۰۰۴۹۳۰۶۶)	۰/۰۲۰۰۶۳۵ ^{***} (۰/۰۰۳۰۸۲۳)
توسعه اقتصادی	۰/۰۰۹۴۰۷۳ ^{***} (۰/۰۰۲۵۷۶۴)	۰/۰۰۸۷۰۷۰ ^{***} (۰/۰۰۰۱۵۳۵)	۰/۰۰۷۷۸۱۳ (۰/۰۰۰۶۱۹۸)
جزء ثابت	-۰/۰۰۶۰۷۹۶ (۱/۵۴۷۷۶۸)	۰/۰۱۰۷۸۸۶ ^{***} (۰/۰۰۲۵۷۷۸)	-۰/۰۳۰۴۵۹۸ ^{***} (۰/۰۰۱۱۶۹۸)
نقطه عطف	n/a	۱/۲۰۴۷۸۴	-۱/۳۷۰۰۲۱
علامت رابطه	-	-	+

پانل ۲: ROA با ریسک تعدیل شده به عنوان متغیر وابسته				
رقابت	-۶/۴۶۷۴۸۵ (۸/۶۹۳۶۸۳)	-۷۴۸/۸۴۷۷* (۳۹۱/۷۹۴۳)	۴/۳۵۴۹۲۲*** (۱/۴۲۶۴۲۸)	۳/۴۹۵۲۱۴*** (۰/۶۰۹۱۲۷۴)
رقابت ^۲		۶۴۴/۵۲۷۶** (۳۰۰/۰۴۰۵)		۳/۲۳۲۷۹۵*** (۱/۰۸۴۹۰۶)
سهم بازار	-۳۴/۰۰۱۲۲ (۸۸/۱۸۲۶۶)	-۰/۶۸۱۹۸۰۶** (۰/۳۱۰۵۸۲۹)	-۷۳/۲۰۹۰۵* (۴۰/۷۴۶۴۲)	-۰/۸۳۹۸۸۱*** (۰/۲۶۲۱۲۰۳)
اندازه بانک	۰/۷۶۲۹۱۷۳*** (۰/۲۸۳۶۰۷۹)	۰/۶۸۹۸۴۶۷ (۱/۱۲۵۷۹۷)	۰/۹۲۶۴۱۲۵*** (۰/۲۳۹۴۱۵۳)	۰/۹۴۳۸۰۷۱*** (۰/۳۴۰۷۳۳۹)
متغیر مجازی اسلامی	۱/۳۲۹۹۰۲** (۰/۵۸۵۹۵۵)	۱/۰۶۷۱۶۵ (۱/۹۴۷۰۹۸)	۱/۱۲۶۱۳۸*** (۰/۴۵۴۲۸۳۷)	۱/۹۴۱۴۲۳*** (۰/۳۸۷۰۱۷۴)
توسعه اقتصادی	۰/۷۶۲۶۱۸۳** (۰/۲۸۴۱۹)	۰/۹۶۸۲۴۸۵ (۱/۶۰۹۳۱۸)	۰/۵۷۸۲۶۳۳ (۰/۴۸۴۸۲۳۶)	۰/۳۱۶۹۰۳۳ (۰/۴۱۹۳۶۶۴)
جزء ثابت	-۰/۱۱۴۴۹۰۹ (۰/۰۷۰۵۴۸۷)	۳۰۰/۸۲۰۳*** (۱۰۳/۹۶۱۲)	-۶/۲۷۶۳۴۸ (۸/۵۳۳۷۱۱)	-۷/۴۶۰۰۱ (۶/۶۰۲۴۰۶)
نقطه عطف	n/a	۰/۶۸۹۸۴۶۷	n/a	-۰/۵۰۰۸۳۸۵
علامت رابطه	-	-	+	+

منبع: محاسبات تحقیق

به منظور توضیح تفاوت در سطوح سودآوری در میان بانک‌های سنتی و اسلامی، دو نمونه را در یک پانل واحد ترکیب و معادله (۳) را مورد آزمون قرار می‌دهیم. بر اساس جدول ۳ در رگرسیون پانل ۱ از ROA به عنوان متغیر وابسته و از عوامل تثبیت‌شده بانک با متغیرهای مجازی زمان در تخمین مدل استفاده می‌شود. پانل ۲ نتایج آنالیز برش مقطعی را با استفاده از ROA تعدیل‌شده بر اساس ریسک به عنوان متغیر وابسته نشان می‌دهد. برای هر مدل با استفاده از آماره H و شاخص لرنر، دو تصریح مد نظر قرار گرفته است. در یک تصریح یک رابطه خطی بین رقابت (ساختار بازار) و سودآوری فرض شده، و دیگری یک عبارت درجه دوم را شامل می‌شود. هر چقدر آماره H بزرگ‌تر باشد بازار رقابتی‌تر خواهد بود و همچنین مقدار بزرگ‌تر شاخص لرنر نشان‌دهنده درجه بالاتری از قدرت بازار است. در جدول ۳، از دارایی‌های کل بانک به منظور محاسبه سهم بازار، از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها به عنوان معیاری برای

حجم بانک^۱ و از لگاریتم طبیعی GDP سرانه هر کشور به عنوان معیاری برای توسعه اقتصادی استفاده شده است.

نتایج نشان می‌دهد که برآورد ضریب برای همه عبارتهای درجه دو معنی‌دار بوده و اینکه رابطه بین ساختار بازار و سودآوری بانک U شکل است و نه خطی. با محاسبه نقطه عطف^۲ هر معادله درجه دوم و مقایسه آن‌ها با توزیع تجربی آمار علامت رابطه بین رقابتی بودن بانک و سودآوری در میان کشورهای به کار رفته در پژوهش حاضر به دست می‌آید. در تمام رگرسیون‌ها، ضرایب معیار رقابت به میزان زیادی معنی‌دار هستند. معنی‌دار بودن و منفی بودن علامت پارامتر آماره PR-H نشان می‌دهد که درجه پایین‌تری از رقابت با سودآوری بالاتر بانک مرتبط است، و معنی‌داری و مثبت بودن بین شاخص لرنر و سودآوری نشان می‌دهد که بازدهی‌های بانک با افزایش درجه قدرت بازار افزایش می‌یابد. بنابراین، استراتژی‌هایی که در بخش‌های جدید بازار که درجه رقابت در آن پایین است وارد می‌شوند احتمالاً برای بانک‌ها پرمزیت هستند. در نهایت زمانی که RAROA به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود، پارامترهای تخمین زده شده حجم بانک و سهم بازار معنی‌دار هستند. حجم بانک و سهم بازار به نظر می‌رسد که عامل تعیین‌کننده مهمی از بازدهی بر اساس ریسک تعدیل شده باشد.

نتیجه‌گیری

برای سیاست‌گذاران و عاملان بانکی مهم است که بدانند میزان رقابت در این بخش در طول زمان دارای چه وضعیتی بوده و نحوه تغییر آن به چه شکل است. بر اساس نتایج پژوهش:

- ۱- شاخص‌های لرنر گزارش شده برای بانک‌های اسلامی بالاتر از شاخص‌های لرنر گزارش شده برای بانک‌های سنتی است، به این معنا که به میزان قابل ملاحظه‌ای درجه بالاتری از قدرت بازار در بخش بانکداری اسلامی مستولی می‌شود.
- ۲- ضریب متغیر مجازی در تصریح‌های گزارش شده مثبت و در اکثر موارد معنی‌دار است. این ضریب حاکی از این امر است که طبیعت اسلامی عملکرد بانک‌ها چه بر اساس ریسک تعدیل شده و چه به غیر از آن، به طور معنی‌داری مرتبط با بازدهی‌های بالاتر است. بر اساس نتایج رگرسیون مشاهده می‌شود که بانک‌های اسلامی به طور عمومی ثبتهای بالاتری از سودآوری را در مقایسه با بانک‌های سنتی نشان می‌دهند.

1. bank size
2. inflection point

۳- یک روش اندازه‌گیری میزان رقابت و انحصار، اندازه‌گیری تمرکز بازار است. هر چه میزان شاخص تمرکز کمتر باشد، بازار رقابتی‌تر و هر چه تمرکز بیشتر باشد، بازار به انحصار نزدیک‌تر خواهد بود. آزمون وضعیت رقابتی بودن نشان می‌دهد که بازار بانکداری اسلامی تمرکز بیشتر و رقابت کمتری در مقایسه با بخش بانکداری سنتی ارائه می‌دهد. تحت چنین شرایطی به نظر می‌رسد که بانکداری اسلامی در حال حرکت از وضعیت رقابت انحصاری به سمت وضعیت انحصار کامل است؛ وضعیتی که مطلوب دیدگاه اسلامی نیست. بی‌تردید رقابت در ارائه خدمات بیشتر و بهتر و سود مناسب‌تر مادامی که موجب ضرر رساندن به دیگران نشود و با منافع جمعی اجتماع در تعارض نباشد، امری مطلوب و پسندیده است. از نظر اسلام نیز رقابت سالم امری مثبت قلمداد شده و لازم است تا امورات بانکداری نیز بر پایه آن شکل گیرد. از طرفی دیگر، آنالیزهای چندمتغیره نشان می‌دهند که رقابت بانکی کمتر به طور قابل ملاحظه و به طور مثبت با سطوح سودآوری بالاتر مرتبط است. یافته‌ها این منطقی را تصدیق می‌کنند که بانک‌ها انگیزه قوی در جهت دستیابی به نرخ‌های بازدهی بالاتر برای ورود به بخش‌هایی از بازار از خود نشان می‌دهند که در آن درجه رقابت پایین است.

۴- شواهد وسیعی از وجود اختلاف در ترکیب سهام و دارائی در میان بانک‌های سنتی و اسلامی وجود دارد. نخست، بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های سنتی به نظر می‌رسد که سهم قابل ملاحظه‌ای از دارائی‌هایشان را به تأمین مالی یا تسهیلات اختصاص می‌دهند که این نشان‌دهنده محدوده خطر بالاتر ریسک اعتباری است. دوم، بانک‌های اسلامی ریسک بالاتر پورتهوی خود را با ریسک مالی بسیار کمتر از طریق سطوح بالاتر جمع‌آوری سرمایه تعدیل می‌کنند.

۵- از آنجایی که نتایج بیانگر رفتار رقابت انحصاری بانک‌ها در کشورهای نمونه است، لذا لازم است تا اولاً، کشورهای مذکور به افزایش تعداد بانک‌های اسلامی از طریق بخش خصوصی اقدام کرده و تلاش نمایند تا بازار ثانویه را در منطقه گسترش دهند. به منظور حمایت از بخش خصوصی در جهت ورود به بخش بانکی توصیه می‌شود تا دولت‌ها با سیاست تشویق و توسعه کانال اعطای تسهیلات به بخش خصوصی، روند گرایش این قشر از سرمایه‌گذاران به بخش بانکی را تقویت کرده و بدین طریق سهم بخش خصوصی را در بازار بانکی کشور خود افزایش دهند. بر این اساس به منظور رسیدن به فضای رقابتی ایده‌آل و منطبق با فضای رقابتی مد نظر اسلام لازم است تا تمرکز در بازار بانکی کشورها

کاهش یابد. چنین فرآیندی قطعاً سبب افزایش کارایی و بهبود عملکرد نظام بانکداری اسلامی خواهد شد. افزایش رقابت و کارایی در بازار بانکی کیفیت و خدمات بانکی را افزایش داده و هزینه‌های مبادلاتی را کاهش خواهد داد.

۶- تحت شرایط فعلی با توجه به تنگنای اعتباری و مشکلات موجود در بازار پول، وضعیت ترازنامه بانک‌ها حاکی از دارایی‌های مسموم (مطالبات غیرجاری)^۱ است. تحت یک چنین شرایطی، سیاستی مانند کاهش سپرده قانونی تنها به نفع انحصارگر خواهد بود. بر این اساس تحت شرایط انحصار اصلاحات و تجدید ساختار نظام بانکی اسلامی ممکن نخواهد بود.

۷- از آنجایی که بازار بانکداری اسلامی قابل مقایسه با بازار بانکداری سنتی نیست، لذا توصیه می‌شود مقامات ناظر، به تحکیم چارچوب کفایت سرمایه با اتخاذ عوامل کارآمد اقدام نمایند. مقامات ناظر می‌توانند به ترویج یکپارچه‌سازی بانک‌های کوچک و متوسط از طریق فعالیت‌هایی مانند ادغام بانکی اقدام نمایند. یکپارچه‌سازی کمک شایانی در جهت کسب قدرت بازار بیشتر توسط بانک‌ها فراهم خواهد کرد و همچنین شانس بقای آن‌ها را در بازار افزایش خواهد داد.

۸- دولت‌ها می‌توانند رقابت را با تضمین دسترسی مصرف‌کنندگان به اطلاعات و دانش مالی یا به وسیله تسهیل تعریف‌ها و مفاهیم، کشف و تحریم رفتارهای غیررقابتی در بخشی از مؤسسات مالی شکل دهند.

منابع

الف - فارسی

۱. بیگدلی، محمد؛ «نقش تنظیم و نهادهای ضد انحصار در صنعت بانکداری کشور»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۸۸، شماره ۵۱.
۲. پوستین‌چی، مجتبی؛ «تأثیر رقابت در صنعت بانکداری بر مطالبات معوق بانک‌ها»، مجله اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۹۲، شماره‌های ۷ و ۸.

۱. مطالبات غیرجاری بانک‌ها که دارایی‌های غیرگردشی نیز نامیده می‌شوند، نشانگر زیان انباشته‌ای هستند که در اثر استمرار مجموعه‌ای از فراز و فرودها در سطح کلان و سوءمدیریت‌ها در بخش مالی، در اقتصاد یک کشور رسوب می‌کنند. افزایش مطالبات غیرجاری توان و تمایل بانک‌ها برای اعطای تسهیلات را کاهش داده و به خشکی اعتبار منجر می‌شود. در نتیجه تأمین مالی به عنوان یکی از کارکردهای اصلی نظام بانکی با مشکل مواجه می‌شود (نبیلی و محمودزاده، ۱۳۹۳).

۳. تفضلی، فریدون؛ *تاریخ عقاید اقتصادی*، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۴. جعفری صمیمی، احمد؛ *اقتصاد بخش عمومی*، جلد ۲، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
۵. صدر، مرادعلی؛ «تأثیر رقابت در افزایش کارایی نظام بانکی کشور»، مجله بانک و اقتصاد، ۱۳۷۸، شماره ۷.
۶. طوسی، محمدرضا؛ رقابت و ثبات مالی: چالش‌های پیش رو در سیستم بانکی کشور، شانزدهمین همایش بانکداری بدون ربا، انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران، ۱۳۹۱.
۷. عیوضلو، حسین؛ میسمی، حسین؛ «بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۷، شماره ۳۱.
۸. معصومی‌نیا، علی؛ «بازار مطلوب، رقابت کامل»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۳، شماره ۱۵.
۹. موسویان، سیدعباس؛ *بانکداری اسلامی، ثبات بیشتر و کارایی بهتر*، بیستمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۰. میرمعزی، حسین؛ *نظام اقتصادی اسلام*، دفتر سوم، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۱. نظریپور، محمد تقی؛ «امام علی (ع)، حکومت و بازار»، فصلنامه کتاب نقد، ۱۳۸۰، شماره ۱۹.
۱۲. نظریپور، محمد تقی؛ رضایی، فاطمه؛ خزایی، ایوب؛ «تأثیر بحران اقتصادی جهان بر بانکداری اسلامی»، اقتصاد اسلامی ۱۳۹۰ شماره ۴۲.
۱۳. نیلی، فرهاد؛ محمودزاده، امینه؛ *مطالبات غیرجاری یا دارایی‌های مسموم بانک‌ها*، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۳، کد گزارش MBRI-PP-93025.
۱۴. یوسفی، احمدعلی؛ *نظام بازار در اقتصاد اسلامی*، مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه اقتصادی «مؤلفه‌ها و مبانی»، انجمن علمی اقتصاد اسلامی ایران، ۱۳۹۱.

ب - لاتین

15. Berger, A.N; Klapper, L.F; Turk Ariss, R; 2009, "**Bank competition and financial stability**", Journal of Financial Services Research, No. 35.
16. Casu, B; Girardone, C; 2006, "**Bank competition, concentration and efficiency in the single European market**", The Manchester School, No. 74.
17. Claessens, S; Laeven, L; 2004, "**What drives bank competition? Some international evidence**", Journal of Money, Credit and Banking, No. 36.
18. De Bandt, O; Davis, E.P; 2000, "**Competition, contestability and market structure in European banking sectors on the eve of EMU**", Journal of Banking and Finance, No. 24.

19. Fosu, S; 2013, "**Banking competition in Africa: Subregional comparative studies**", Emerging Markets Review, No. 15.
20. Gelos, R.G; Roldos, J; 2004, "**Consolidation and market structure in emerging market banking systems**", Emerging Markets Review, No. 5.
21. Hellmann, T. F; Murdock, K.C; Stiglits, J.E; 2000, "**Liberalization, moral hazard in banking and prudential regulation: Are capital requirements enough?**", American Economic Review, No. 90.
22. Jimenez, G; Lopez, J.A; Saurina, J; 2013, "**How does competition affect bank risk-taking?**", Journal of Financial Stability, No. 9.
23. Jonsson, D.J; 2006, "**Islamic Economics and the Final Jihad: The Muslim Brotherhood to the Leftist/Marxist Islamic Alliance**", Xulonpress, Pp.267.
24. Kasman, S; Kasman, A; 2014, "**Bank competition, concentration and financial stability in the Turkish banking industry**", Journal of Economic Systems, No. 1-16.
25. Keeley, M.C; 1990, "**Deposit insurance, risk and market power in banking**", American Economic Review, No. 80.
26. Kerr, S; 2007, "**DIFC raises \$1.25bn via sukuk**", Financial Times. Available on: <http://www.ft.com/>
27. Leon, F; 2015, "**Does bank competition alleviate credit constraints in developing countries?**", Journal of Banking & Finance, No. 57.
28. Martinez-Miera, D; Repullo, R; 2008, "**Does competition reduce the risk of bank failure?**", Unpublished manuscript, CEMFI. Available on: <http://www.cemfi.es/>
29. Mercieca, S; Schaeck, K; Wolfe, S; 2007, "**Small European banks: Benefits from diversification**", Journal of Banking and Finance, No. 31.
30. Nathan, A; Neave, E; 1989, "**Competition and contestability in Canada's financial system: Empirical results**", Canadian Journal of Economics, No. 22.
31. Panzar, J. C; Rosse, J. N; 1987, "**Testing for "monopoly" equilibrium**", Journal of Industrial Economics, No. 35.
32. Schaeck, K; Cihak, M; 2007, "**Banking competition and capital ratios**", IMF Working Paper, No. 07.
33. Schaeck, K; Cihak, M; Wolfe, S; 2009, "**Are competitive banking systems more stable?**", Journal of Money, Credit and Banking, No. 41.
34. Shaffer, S; 2004a, "**Comments on what drives bank competition: Some international evidence**", by Stijn Claessens and Luc Laeven, Journal of Money, Credit and Banking, No. 36.

35. Shaffer, S; 2004b, "**Patterns of competition in banking**", Journal of Economics and Business, No. 56.
36. Shahimi, S; Ismail, A. G; Ahmed, S; 2006, "**A panel data analysis of fee income activities in slamic banks**", Islamic Economics, No. 19.
37. Stiroh, K.J; 2004a, "**Diversification in banking: Is noninterest income the answer?**", Journal of Money, Credit and Banking, No. 36.
38. Stiroh, K.J; 2004, "**Do community banks benefit from diversification?**", Journal of Financial Services Research, No. 25.
39. Turk Ariss, R; 2009, "**Competitive behavior in Middle East and North Africa banking systems**", The Quarterly Review of Economics and Finance, No. 49.

